



# جنسیت و تربیت

## از منظر اسلام و فمینیسم لیبرال

دکتر سیدعلی حسینی زاده



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۳

حسینی‌زاده، سیدعلی، ۱۳۴۳- .  
جنسیت و تربیت از منظر اسلام و فمینیسم لیبرال / سیدعلی حسینی‌زاده. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،  
۱۳۹۳.  
ده، ۲۹۴ص: جدول. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۸۹: علوم تربیتی؛ ۳۵)  
ISBN: 978-600-298-050-2  
بها: ۱۰۷۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه: ص. [۲۵۹]-۲۷۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.  
۱. فمینیسم - جنبه‌های مذهبی - اسلام. ۲. فمینیسم - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها. ۳. آزادی‌خواهی - جنبه‌های  
مذهبی - اسلام. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.  
۱۳۹۳ ۹ ن ۴۶۴ ح / ۱۷۲ / BP ۲۳۰ / ۴۸۳۱ / ۲۹۷  
شماره کتابشناسی ملی  
۳۶۳۷۵۵۵



## جنسیت و تربیت از منظر اسلام و فمینیسم لیبرال

مؤلف: دکتر سیدعلی حسینی‌زاده

ویراستار: مرتضی برزگر

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۰۷۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۰۳۲۸۰۳۰۹۰  
ص.پ. ۳۱۵۱ - ۲۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: [www.rihu.ac.ir](http://www.rihu.ac.ir)

Email: [info@rihu.ac.ir](mailto:info@rihu.ac.ir)

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و مطالعات زنان و نیز دیگر علاقه‌مندان به این دست از مطالعات تهیه شده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم دکتر سیدعلی حسینی‌زاده و نیز از اساتید گرامی آقایان آیت‌الله سیدمحمد غروی و حجج اسلام دکتر حسین بستان نجفی و دکتر علیرضا صادق‌زاده قمصری که در ارزیابی این اثر همکاری داشته‌اند، تشکر و سپاسگزاری نماید.

## فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۳	فصل اول: کلیات
۳	مقدمه
۴	بیان مسئله
۸	سؤالات تحقیق
۹	ضرورت تحقیق
۱۱	روش تحقیق
۱۳	تعریف واژگان
۱۵	فصل دوم: تاریخچه و پیشینه فمینیسم
۱۵	مروری به جایگاه زن و خاستگاه فمینیسم در غرب
۱۸	تاریخچه فمینیسم
۱۹	امواج سه‌گانه فمینیسم
۲۱	مهم‌ترین گرایش‌های فمینیسم
۲۲	۱. فمینیسم لیبرال
۲۳	۲. فمینیسم مارکسیسم
۲۴	۳. فمینیسم رادیکال
۲۶	۴. فمینیسم سوسیالیسم
۲۸	۵. فمینیسم فرهنگی
۳۰	۶. فمینیسم پست‌مدرن و پسااستارگرا
۳۲	۷. فمینیسم اسلامی
۳۵	ریشه‌های فمینیسم در غرب
۳۶	فمینیسم در ایران

۳۹	زن از دیدگاه اسلام
۴۱	رویکردهای مهم به زن در تاریخ اسلام
۴۵	<b>فصل سوم: مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال</b>
۴۵	مقدمه
۴۷	مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال
۵۰	۱. فروگاهی انسان به طبیعت مادی
۵۵	۲. ماهیت یکسان آدمی
۶۱	۳. طبیعت و سرشت نیک آدمی
۶۲	۴. عقل‌گرایی
۶۵	۵. انسان‌مداری و مرجعیت انسان
۶۷	۶. مالکیت انسان بر خویش
۶۸	۷. آزادی انسان
۷۲	۸. فردیت انسان
۷۷	<b>فصل چهارم: دلالت‌های تربیتی مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال</b>
۷۷	مقدمه
۷۸	جنس و جنسیت
۷۹	اهمیت آموزش
۸۰	الف) اهداف تعلیم و تربیت
۸۱	نهی هدف غایی ماورائی
۸۲	هدف کلی: برابری زن و مرد
۸۴	اهداف واسطه‌ای
۹۳	ب) اصول تعلیم و تربیت فمینیسم لیبرال
۹۳	۱. اصل دنیاگرایی (غایت‌زدایی از اهداف تعلیم و تربیت)
۹۵	۲. اصل تعقل
۹۵	۳. اصل فردیت
۹۶	۴. اصل مساوات
۹۸	۵. اصل آزادی
۱۰۰	۶. اصل استقلال و خودگردانی
۱۰۱	۷. اصل رقابت
۱۰۲	۸. اصل نسبیّت
۱۰۴	۹. اصل اختلاط
۱۰۴	۱۰. اصل ظاهرگرایی
۱۰۵	۱۱. اصل حق‌محوری

۱۰۶	.....	ج) محتوا و برنامه درسی فمینیسم لیبرال
۱۰۸	.....	د) روش‌های تربیتی
۱۰۸	.....	۱. روش تجربی
۱۱۰	.....	۲. روش الگویی
۱۱۱	.....	۳. روش تشویق و تنبیه
۱۱۲	.....	جمع‌بندی
۱۱۳	.....	<b>فصل پنجم: مبانی انسان‌شناختی از نگاه اسلام</b>
۱۱۳	.....	مقدمه
۱۱۴	.....	ویژگی‌های انسان از دیدگاه اسلام
۱۱۵	.....	الف) ویژگی‌های مثبت انسانی
۱۱۵	.....	۱. انسان دارای تن و روح
۱۱۵	.....	۲. وابستگی تن و روان
۱۱۷	.....	۳. اصالت بُعد روحی انسان
۱۱۷	.....	۴. فطرت و طبیعت مشترک انسانی
۱۱۹	.....	۵. گرایش به نیک و بد
۱۲۰	.....	۶. انسان موجودی مختار است
۱۲۱	.....	۷. انسان خلیفه خداست
۱۲۲	.....	۸. انسان دارای کرامت ذاتی است
۱۲۳	.....	۹. انسان امانتدار الهی و مسئولیت‌پذیر است
۱۲۴	.....	۱۰. هدفمندی خلقت انسان
۱۲۶	.....	۱۱. عقلانیت آدمی
۱۲۷	.....	۱۲. عاملیت آدمی
۱۲۸	.....	۱۳. هویت فردی و جمعی انسان
۱۳۰	.....	ب) ویژگی‌های منفی انسانی
۱۳۱	.....	۱. ضعف انسان
۱۳۱	.....	۲. حریص و کم‌طاقت
۱۳۱	.....	۳. عجله و کم‌حوصلگی
۱۳۱	.....	۴. کفران‌کننده
۱۳۱	.....	۵. طغیانگری
۱۳۳	.....	<b>فصل ششم: نقد مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال</b>
۱۳۳	.....	مقدمه
۱۳۳	.....	نقد مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال از دیدگاه اسلام
۱۳۴	.....	۱. فروگاهی انسان به طبیعت مادی

۱۳۸	۲. ماهیت یکسان آدمی یا برابری کامل زن و مرد
۱۴۶	تفاوت زن و مرد از دیدگاه قرآن و روایات
۱۴۶	۱-۲. وجود تفاوت‌های فردی و گروهی
۱۴۷	۲-۲. تقدم خلقت مرد بر زن
۱۵۱	۳-۲. خطاب خدا در بدو خلقت به آدم
۱۵۳	۴-۲. مسئولیت مرد در تربیت
۱۵۴	۵-۲. برخورداری بیشتر مردان از زنان
۱۶۳	۳-۲. تقدم خلقت مرد بر زن
۱۶۷	۴-۲. خطاب خدا در بدو خلقت به آدم
۱۶۹	۵-۲. مسئولیت مرد در تربیت
۱۷۰	۶-۲. برخورداری بیشتر زنان از مردان
۱۷۲	۷-۲. حفظ اصالت جنسیت
۱۷۲	۸-۲. زن مایه آرامش مرد
۱۷۵	۹-۲. تمجید قرآن از زنان در برابر رفتارهای فردی
۱۷۷	۱۰-۲. تفاوت‌های زن و مرد در احکام شرعی
۱۷۷	۱۱-۲. تفاوت‌های جنسی از نظر علمی و نقش آن در تغییر روحیات انسانی
۱۸۰	۱۲-۲. اقرار بیشتر گروه‌های فمینیستی به تفاوت
۱۸۶	۳. طبیعت و سرشت نیک آدمی
۱۸۷	۴. عقل‌گرایی
۱۹۲	۵ و ۶. انسان‌مداری و مالکیت انسان بر خویش
۱۹۶	۷. آزادی انسان
۲۰۴	۸. فردگرایی
۲۱۰	جمع‌بندی
۲۱۳	<b>فصل هفتم: نقد دلالت‌های تربیتی فمینیسم لیبرال از دیدگاه اسلام</b>
۲۱۳	مقدمه
۲۱۳	الف) نقد اهداف
۲۱۳	۱. هدف غایی
۲۱۶	۲. اهداف کلی
۲۱۸	۳. اهداف واسطی
۲۱۸	۱-۳. برابری آموزشی
۲۲۱	۲-۳. برابری سیاسی - اجتماعی
۲۲۲	۳-۳. برابری حقوقی - اقتصادی
۲۲۵	ب) نقد اصول تعلیم و تربیت فمینیسم لیبرال



۲۲۵	۱. دنیاگرایی (غایت‌زدایی از اهداف تعلیم و تربیت)
۲۲۶	۲. اصل تعقل
۲۲۸	۳. اصل فردیت
۲۲۹	۴. اصل مساوات
۲۳۱	۵. آزادی زنان
۲۳۳	۶. اصل استقلال و خودگردانی
۲۳۴	۷. اصل رقابت
۲۳۶	۸. اصل نسبیّت
۲۳۷	۹. اصل اختلاط
۲۳۸	۱۰. اصل ظاهرگرایی
۲۴۰	۱۱. اصل حق‌محوری
۲۴۲	ج) نقد محتوا و برنامه درسی
۲۴۳	د) نقد روش‌های تربیتی
۲۴۵	<b>فصل هشتم: نتیجه‌گیری و جمع‌بندی</b>
۲۴۵	مقدمه
۲۴۶	پاسخ به سؤال‌های تحقیق
۲۴۶	۱. میانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال چیست؟
۲۴۶	۲. میانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال چه دلالت‌هایی را در زمینه تعلیم و تربیت دارند؟
۲۴۷	الف) اهداف تربیتی فمینیسم لیبرال
۲۴۷	ب) اصول تربیتی فمینیسم لیبرال
۲۴۷	ج) محتوای تعلیم و تربیت فمینیسم لیبرال
۲۴۸	د) روش تربیتی فمینیسم لیبرال
۲۴۸	۳. براساس میانی انسان‌شناختی اسلام کدام‌یک از میانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال پذیرفتنی و...؟
۲۵۲	۴. براساس میانی انسان‌شناختی اسلام، دلالت‌های تربیتی فمینیسم لیبرال تا چه حد پذیرفتنی است؟
۲۵۲	الف) نقد اهداف
۲۵۳	ب) نقد اصول
۲۵۷	ج) نقد محتوا و برنامه درسی
۲۵۷	د) نقد روش‌های تربیتی
۲۵۸	نتیجه‌گیری
۲۵۹	<b>منابع و مأخذ</b>
۲۵۹	الف) منابع فارسی
۲۶۸	ب) منابع عربی
۲۶۹	ج) منابع لاتین

۲۷۳	نمایه‌ها
۲۷۳	نمایه آیات
۲۷۸	نمایه روایات
۲۸۵	نمایه اعلام
۲۸۹	نمایه آثار
۲۹۰	نمایه اماکن
۲۹۱	نمایه موضوعات

## پیشگفتار

اسلام آخرین و کامل‌ترین دین آسمانی است که از سوی خدای تبارک و تعالی توسط آخرین فرستاده او، پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ بر بشر نازل شد و آخرین دستورات آسمانی و الهی در کتاب بی‌بدیل وحی که برترین کتاب زندگی است، تجلی یافته است و سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت او نیز که عدل کتاب الهی و شارح و مفسر آن می‌باشد، دو راهنمای بشر در طول تاریخ خواهد بود. اگر بشر بخواهد مسیر تکامل خویش را با چراغ و راهنمای روشن و روشنی‌بخش و با چشم باز و با اطمینان طی کند و گرفتار فرود و فرازهای جان‌فزای تجربه حسی و عقل قاصر خود نشود باید به کتاب خدا و سنت پیامبر خدا ﷺ بازگردد و با غور در اعماق آن نه تنها راه سیر در طبیعت که راه سعود به آسمان را بیابد.

تمسک به ثقل اکبر و اصغر که به فرموده امام خمینی علیه السلام ثقل اصغر دست‌کمی از ثقل اکبر ندارد و بلکه اکبر از اوست، راه نجات بشریت در همه عصرها و دوران‌ها به‌ویژه دوره آخرالزمان است؛ تعلیم و تربیت که مهم‌ترین هدف کتاب خدا و پیامبران الهی است از جمله برنامه‌هایی است که باید از کتاب خدا و معلمان آن که انبیا و اولیا هستند آموخت. این پژوهش گامی کوتاه در این مسیر طولانی و پرفراز و نشیب است که امید آن دارد مورد رضای الهی و پذیرش دوستداران تربیت و قرین موفقیت باشد.

این کتاب در شش فصل تنظیم شده است؛ فصل اول به بیان مسئله، ضرورت تحقیق، سؤالات و روش پژوهش می‌پردازد. فصل دوم به‌اجمال به تاریخچه و پیشینه فمینیسم پرداخته است. در فصل سوم مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال به‌اجمال بررسی شده است و در فصل چهارم دلالت‌های تربیتی آن مبانی در بخش اهداف، اصول و روش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. فصل پنجم مبانی انسان‌شناختی اسلامی را به عنوان مبنایی برای نقد مبانی و دلالت‌های

تربیتی فمینیسم لیبرال بررسی کرده است و در فصول ششم و هفتم بر آن مبنای مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال و دلالت‌های تربیتی آن مورد نقد قرار گرفته است و در فصل هشتم نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شده است.

در اینجا مؤلف بر خود لازم می‌داند که از اساتید محترم آقایان دکتر محمدرضا شرفی جم، دکتر خسرو باقری و دکتر علیرضا صادق‌زاده قمصری قدردانی کرده و از خدای مَنان برای همه ایشان آرزوی موفقیت داشته باشد.

سیدعلی حسینی‌زاده

۱۳۹۳/۵/۱۸

## فصل اول

### کلیات

#### مقدمه

زنان دست کم نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند، اما در طول تاریخ کمتر به آنها توجه شده است و ارزشی کمتر از مردان به آنها داده شده است؛ در صورتی که زنان در کنار مردان در بسیاری از قلمروهای زندگی، به‌ویژه در تولید و تربیت نسل انسانی دارای نقش خاصی بوده‌اند. در دو قرن اخیر عده‌ای در غرب با تمسک به این بی‌توجهی یا کم‌توجهی به زنان نهضتی را به نام «فمینیسم» پدید آوردند که سبب تحولاتی در جوامع غربی و به دنبال آن در جوامع شرقی و اسلامی شد. این تحولات هم دستاوردهایی داشته و هم احیاناً در مواردی پیامدهایی برای زنان و مردان داشته است و این در حالی است که اسلام از بدو ظهور برخلاف آنچه پیش از آن در میان جوامع رایج بود؛ از قبیل مایه ننگ بودن فرزند دختر و زنده به گور کردن دختران و بی‌ارزش بودن زنان، به زنان بها داد و آنها را در ردیف مردان قرار داد و نه تنها زنده به گور کردن دختران را منع کرد (تکویر، ۹) و کسانی را که از تولد دختران ناراحت می‌شدند تقبیح کرد (نحل، ۷)، بلکه برای آنان حق مالکیت (نساء، ۳۲) و ارث (نساء، ۴-۹) قائل شد و آنها را در امور سیاسی شرکت داد و راه و رسم بیعت آموخت (ممتحنه، ۱۲) و برخی از آنان را به عنوان الگوی انسانیت حتی برای مردان معرفی کرد: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ \* وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا وَكَانَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ»<sup>۱</sup> (تحریم، ۱۱ و ۱۲). همچنین، اسلام از مسئولیت‌های

۱. و خداوند برای مؤمنان، همسر فرعون را مثل آورده، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کردار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش» و همچنین به

زنان نسبت به مردان کاست و نه تنها تأمین هزینه‌های زندگی خانوادگی را بر دوش آنان نگذاشت، بلکه هزینه زندگی آنها را نیز بر دوش مردان گذاشت؛ البته اسلام زنان را از این کار منع نکرد، بلکه تنها تکلیف را از دوش آنان برداشت. اما این دیدگاه اسلام و قرآن کریم دربارهٔ زنان به‌خوبی مورد توجه و بررسی قرار نگرفت و یا کمتر به آن توجه شد و تنها به ظواهر اکتفا شد و روح و عمق آن درک نشد و در نتیجه عده‌ای با توجه به این ظاهرگرایی و تحجرگرایی از ناکارآمدی دین در جامعهٔ امروزی، به‌ویژه در امور زنان سخن گفتند. با توجه به وضعیت زمانی جامعه اسلامی و با نگاه به مسائلی که جامعه جهانی دربارهٔ زنان مطرح کرده است؛ ضروری است که با بازخوانی مجدد آیات و روایاتی که در مورد زن و مسائل زنان وارد شده، به عمق و روح نگاه اسلام به مسئله زن دست یابیم.

با توجه به اینکه فمینیسم، هم دارای گرایش‌های مختلفی از جمله لیبرال، رادیکال، مارکسیسم، پست‌مدرن و غیره است و هم دارای مبانی فلسفی مختلفی؛ از جمله مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی است، این پژوهش به بررسی و نقد مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال از دیدگاه اسلام می‌پردازد که ابتدا پس از تقریر موضوع، بیان مسئله، و ضرورت تحقیق، نگاهی گذرا به تاریخچه فمینیسم و امواج سه‌گانه و گرایش‌های مختلف آن خواهد داشت و سپس به بررسی مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال و دلالت‌های تربیتی آن پرداخته و پس از آن با مروری بر مبانی انسان‌شناختی اسلامی، به نقد مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال و دلالت‌های تربیتی آن از دیدگاه اسلام و براساس برداشت‌های استنباطی محقق از آیات و روایات می‌پردازد. امید اینکه این اثر قرین موفقیت باشد و بتواند قدمی در راه پیشرفت علم بردارد.

## بیان مسئله

واژه «فمینیسم»<sup>۱</sup> به معنای نظریه برابری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زن و مرد است (ویستر،<sup>۲</sup> ۱۹۸۸) و در اصل نهضتی اجتماعی - سیاسی بود که از قرن هجده در اروپا در جهت اعتراض به فشارها و تبعیض‌ها در مورد زنان، آغاز شد و تاکنون سه دوره را طی کرده است که به سه موج فمینیسم مشهور است: موج اول به جای محدود شدن بر جنبه‌های حقوقی، سیاسی، عقلانیت و

---

مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما از روح خود در آن دمیدیم، او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود.

1. Feminism

2. Webster

اصرار بر برابری زنان و مردان بیشتر گرایش فرهنگی و عاطفی داشت و بر ویژگی‌ها و توانایی‌های زنان تأکید می‌کرد (باقری، ۱۳۸۲). در موج دوم جنبش زنان و اندیشه‌های فمینیستی به شکل روشن‌تر و شفاف‌تری بیان شد و به شاخه‌های مختلف جنبش از جمله فمینیسم لیبرال و رادیکال شکل داد (مشیرزاده، ۱۳۸۳)، اما گفتمان غالب در آن گفتمان برابری بود (دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲). در موج سوم که تقریباً می‌توان گفت بازنگری در ایده‌های موج اول و دوم و پرهیز از افراطی‌گری در موج دوم و حتی در موج اول است، هم بر ویژگی‌های زن و مرد و هم بر مشترکات آنها تأکید می‌کند (موسوی، ۱۳۷۸).

همچنین فمینیسم در طی این دوران علاوه بر گسترش محتوای خود که وارد حیطه‌های متافیزیک (کولبروک، ۱۹۹۷)<sup>۱</sup>، معرفت‌شناسی (لوراین کد)<sup>۲</sup> و ارزش‌شناسی (گیلیگان، ۱۹۸۲)<sup>۳</sup> شده است، در قلمرو جغرافیایی خود نیز توسعه بسیاری داده است و از معدود کشورهای غربی به سراسر جهان حتی کشورهای اسلامی نیز نفوذ کرده است (باقری، ۱۳۸۲)؛ با وجود این، نمی‌توان این نهضت را مکتب فلسفی واحدی تلقی کرد (جیمز، ۱۹۹۸)<sup>۴</sup>، بلکه نهضتی است که در هر مکتبی طرفدارانی پیدا کرد که با تکیه بر مبانی همان مکتب به تبیین پایه‌های آن پرداخت؛ به طوری که هم‌اکنون از فمینیسم لیبرال،<sup>۵</sup> مارکسیسم،<sup>۶</sup> رادیکال،<sup>۷</sup> سوسیالی،<sup>۸</sup> پست‌مدرن،<sup>۹</sup> سیاه،<sup>۱۰</sup> جهان سوم<sup>۱۱</sup> و حتی فمینیسم اسلامی<sup>۱۲</sup> سخن گفته می‌شود.

فمینیسم در دو قرن اخیر تحولات زیادی را در وضعیت زنان در غرب به وجود آورده است؛ به طوری که زن غربی که تا پیش از رنسانس و حتی چند قرن پس از آن، نه حق مالکیت داشت و نه حق ارث بردن (کاظمی، ۱۳۸۲)، هم‌اکنون در کنار مردان در صحنه‌های مختلف زندگی حتی امور سیاسی و حکومتی دارای نقش مؤثری است. این تأثیرات نه تنها در تمام کشورهای غربی گسترش یافته است که در کشورهای شرقی و حتی اسلامی نیز رو به گسترش است. بخش مهمی از این تأثیرات در قلمرو تعلیم و تربیت است؛ به طوری که فمینیسم در موج دوم به عنوان یک

1. Colebrook

2. Lorraine Code

3. Gilligan

4. James

5. Liberal Feminism

6. Marxism Feminism

7. Radical Feminism

8. Socialism Feminism

9. Postmodern Feminism

10. Black Feminism

11. third world Feminism

12. Islamic Feminism

نظریه مطرح شد و با پیگیری فمینیست‌ها از اوایل دهه هفتاد، مطالعات زنان به برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و کالج‌ها راه یافت و به عنوان شاخه آکادمیک جنبش آزادی‌بخش زنان مطرح گردید (مشیرزاده، ۱۳۸۸، ص ۳۱۸).

تعلیم و تربیت افزون بر ویژگی‌های مشترکی که با سایر قلمروها دارد، از این ویژگی برخوردار است که می‌تواند منشأ رشد و گسترش افکار و ایده‌های فمینیستی و یا هر ایده دیگری باشد. این گسترش نقش و تأثیر زن در امور اجتماعی، افزون بر تأثیرات مثبت، خالی از آسیب و تأثیرات منفی نیز نبوده است (باقری، ۱۳۸۲). بررسی تأثیرات و آسیب‌های این نهضت اجتماعی - سیاسی، به‌ویژه در زمینه تعلیم و تربیت می‌تواند روند رشد و پیشرفت زن و جامعه انسانی را بهبود بخشد. بررسی این نقش و آسیب‌ها در کشورهای غربی کم و بیش صورت گرفته و می‌گیرد. آنچه مهم است گسترش روزافزون این نهضت در کشورهای اسلامی، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران است که شرایط فرهنگی - اجتماعی آن با خاستگاه فمینیسم در غرب بسیار متفاوت است؛ زیرا خاستگاه این نهضت در غرب است و غرب از گذشته‌های دور تا رنسانس و حتی پس از رنسانس برای زن ارزشی قائل نبود و حتی پس از انقلاب فرانسه نیز با وجود اینکه زنان در آن نقش چشمگیری داشتند، به آنان در قانون اساسی جدید فرانسه توجهی نشد و این امر سبب اعتراض زنان شد و از آن پس نهضت زنان مطرح و شروع به پیشرفت کرد.

این در حالی است که فرهنگ حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، فرهنگی اسلامی است و اکثر قریب به اتفاق مردم ما مسلمان‌اند. مواجهه مناسب با این جریان اجتماعی و فکری مستلزم نقادی محققانه مبانی آن، به‌ویژه با توجه به مبانی اسلامی است؛ چرا که اسلام نیز همانند سایر مکاتب دارای مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی خاص خود است که در آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام تجلی یافته است و نظام تعلیم و تربیت اسلامی باید براساس آن مبانی تنظیم شود. بدیهی است که ارائه تعلیم و تربیتی مبتنی بر مبانی فمینیستی به کسانی که معتقد به مبانی اسلامی‌اند و می‌خواهند فرزندان خود را براساس آن تربیت کنند، موجب عدم هماهنگی عناصر نظام تعلیم و تربیت و در نتیجه تعارض در نظام اجتماعی خواهد شد؛ بنابراین نقد و بررسی مبانی فلسفی فمینیسم و بهره‌گیری از دستاوردهای مثبت آن و دوری گزیدن از پیامدهای منفی آن، به‌ویژه در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی، از ضرورت‌هاست.

نقد و بررسی همه این مبانی و دلالت‌های تربیتی آن از دیدگاه همه این گرایش‌ها براساس دیدگاه اسلامی، از عهده یک تحقیق ساخته نیست، به‌ویژه اینکه بررسی آنها از منظر اسلام



مستلزم بررسی آیات و روایات و دستیابی به دیدگاه اسلام است؛ از سوی دیگر، موضوع تعلیم و تربیت انسان است، و مربی و متربی هر دو انسان‌اند و قدم اول در تربیت آنها مستلزم شناخت انسان است و اینکه او کیست و چه ویژگی‌هایی دارد و به کجا می‌خواهد برسد. بنابراین، این تحقیق به بررسی مبانی انسان‌شناختی (ماهیت انسان و ویژگی‌های او) فمینیسم لیبرال کلاسیک، با تأکید بر ارزیابی ویژگی برابری و یا تفاوت زن و مرد و دلالت‌های تربیتی آن از دیدگاه اسلام می‌پردازد؛ چرا که فمینیسم لیبرال اولین دیدگاه فمینیستی و بزرگ‌ترین تشکیلات و قوی‌ترین، مؤثرترین و مستدل‌ترین صورت جنبش زنان است (وینسنت،<sup>۱</sup> ۱۳۷۸) که در دفاع از حقوق و آزادی زنان و برابری آنها با مردان فعالیت داشته و دارد و پایه و اساس فمینیسم را شکل می‌دهد و اختلاف‌ها و گرایش‌های مختلف فمینیستی بیشتر در ریشه‌یابی علل ستم علیه زنان و راه مبارزه با آن است و تقریباً می‌توان گفت تمامی فمینیست‌ها با حقوق و آزادی زنان و برابری آنها با مردان که در فمینیسم لیبرال مطرح است، موافق‌اند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۲) و تنها فمینیست‌های افراطی موج دوم بر برتری زنان بر مردان تأکید دارند و فمینیست‌های موج سوم (فمینیست‌های پست‌مدرن) به این افراط‌های فمینیسم موج دوم و رادیکال‌ها پی برده و در پی تعدیل آن‌اند (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵). همچنین فمینیسم لیبرال، علاوه بر اینکه گرایش غالب موج اول و دوم است، در موج سوم و نیز در تمام دوره‌های تاریخ فمینیسم حضور داشته و به تعبیر بیسلی<sup>۲</sup> (۱۳۸۵) شناخته‌شده‌ترین شکل اندیشه فمینیستی و مؤثرترین و مستدل‌ترین صورت فمینیسم است (وینسنت، ۱۳۷۸، ص ۲۵۵) که غالباً مترادف خود فمینیسم دانسته می‌شود؛ افزون بر این، فمینیسم لیبرال در کشور ما بیشتر قابلیت نفوذ و تأثیرگذاری را دارد و سایر دیدگاه‌ها به دلیل ارتباط با مارکسیسم، سوسیالیسم و ماهیت افراطی و مردستیزی فمینیسم رادیکال در این کشور جایگاه کمتری دارند.

از سوی دیگر دیدگاه اسلامی نیز دارای گستره وسیع و نظریات انسان‌شناختی متفاوتی از سوی فقها، متکلمان، فلاسفه، عرفا و... می‌باشد؛ برای مثال، فلاسفه انسان را انسان عاقل می‌دانند و کمال انسان را در حکمت و انسان کامل را انسان حکیم می‌دانند: «صیرورة الانسان عالماً عقلياً» (ابن‌سینا، ۱۳۶۳). عرفا عقل را جزئی از وجود انسان می‌دانند و آن را کافی نمی‌دانند و معتقدند جوهر انسان روح است و روح از عالم عشق و عشق چیزی جز حرکت به سوی حق نیست. اهل عرفان عقل و

1. Vincent, A.

2. Biasley, C.

مکتب عقل را تقبیح می‌کنند و به تعبیر شهید مطهری در ادبیات همیشه عشق را بر عقل پیروز کرده‌اند (مطهری، بی تا الف). فقها و نقل‌گرایان انسان را موجودی دارای دو عنصر خیر و شر و سعادت او را در غلبه خیر بر شر می‌دانند (اسماعیل علی و دیگران، ۱۳۸۴). انسان‌شناسی قرآنی انسان را خلیفه خدا و مظهر اسماء و صفات الهی می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۶۷ الف). البته تفاوت‌های انسان‌شناسان اسلامی معمولاً در انسان کامل و یا اهدافی است که انسان برای رسیدن به آن آفریده شده است، و گرنه در ماهیت انسان شاید چندان با هم تفاوتی نداشته باشند؛ از این‌رو، نقد و بررسی مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال از منظر همه این دیدگاه‌های اسلامی نیز میسر نیست و قاعدتاً باید برخی از این دیدگاه‌ها گزینش شود؛ اما دیدگاه اسلام را نمی‌توان در یکی از دیدگاه‌های عرفانی یا عقلانی و یا فقهی و غیره خلاصه کرد، بلکه دیدگاه اسلام در متن آیات قرآن تجلی یافته است و روایات معصومان علیهم‌السلام و سیره آنان نیز تفسیر آیات قرآن است.

بنابراین با توجه به نکات یادشده در این تحقیق نقد مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال و دلالت‌های تربیتی آن براساس مبانی انسان‌شناختی اسلام صورت می‌گیرد و مسئله اصلی تحقیق این است که آیا براساس مبانی انسان‌شناختی اسلام مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال و دلالت‌های تربیتی آن قابل پذیرش است؟ اگر قابل پذیرش نیست چه نقد و انتقادهایی بر آن وارد است؟ بدیهی است چون پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام مفسر قرآن‌اند و براساس دیدگاه شیعی قرآن به‌تنهایی برای فهم دیدگاه اسلام کافی نیست و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم طبق حدیث ثقلین (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۱۰۷) قرآن و عترت را در کنار هم قرار داد؛ به‌طوری‌که این دو، تا قیامت از هم جدایی ناپذیرند، در فهم برداشت از قرآن به روایات نیز مراجعه خواهد شد، ولی تأکید اصلی بر قرآن خواهد بود.

### سوالات تحقیق

در این تحقیق به بررسی چهار سؤال اصلی پرداخته می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال چیست؟
۲. این مبانی چه دلالت‌هایی را در زمینه تعلیم و تربیت دارد؟
۳. براساس مبانی انسان‌شناختی اسلام کدام یک از مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال پذیرفتنی و کدام یک و تا چه حد غیر قابل پذیرش است؟
۴. براساس مبانی انسان‌شناختی اسلام و نیز تعلیم و تربیت اسلامی، دلالت‌های تربیتی فمینیسم لیبرال تا چه حد پذیرفتنی است؟

## ضرورت تحقیق

نظام تعلیم و تربیت در هر مکتب و گرایشی مبتنی بر ریشه‌ها و مبانی آن مکتب، به‌ویژه مبانی فلسفی آن مکتب است که تا این مبانی و ریشه‌ها شناخته نشود، نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر آن مکتب نیز به‌درستی شکل نمی‌گیرد و در نتیجه، در عمل نیز به تعلیم و تربیت درست انسان‌ها کمک چندانی نمی‌کند. در میان مبانی فلسفی تعلیم و تربیت که شناسایی آنها و استنتاج اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت مبتنی بر آن، کار فلسفه و فیلسوفان تعلیم و تربیت است، مبانی انسان‌شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که انسان هم معلم و مربی است و هم متعلم و متربی و هم مشخص‌کننده محتوای تعلیم و تربیت؛ و به‌طور کلی فرایند علمی و عملی تعلیم و تربیت به دست انسان است؛ بنابراین، شناخت اینکه انسان کیست و چه می‌تواند بشود و به‌طور کلی، انسان‌شناختی از مباحث بسیار مهم در فلسفه تعلیم و تربیت است.

همچنین جهان امروز از سویی با پیشرفت علم و تکنولوژی و به تبع آن پیشرفت ارتباطات انسانی و ابزار و وسایل اطلاع‌رسانی مواجه است و کوچک‌ترین خبری در فاصله زمانی اندک به دورترین نقاط جهان حتی روستاها می‌رسد و دستاوردهای علمی و تربیتی در جوامع به‌سرعت به جوامع دیگر سرایت کرده و آن جوامع را از خود متأثر می‌سازد. جهان اسلام، به‌ویژه ایران اسلامی نیز از این ارتباطات به دور نیست و با جهان تعاملات فراوانی دارد؛ از سوی دیگر، فمینیسم و فعالیت‌های فمینیستی در جهان بسیار گسترده شده است و فمینیست‌ها ریشه ستم بر زنان را فقدان فرصت‌های برابر آموزشی می‌دانند و برای اصلاح وضعیت موجود و دستیابی به وضعیت مطلوب تحول و دگرگونی در آموزش و پرورش را مهم تلقی می‌کنند (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵)، اما خاستگاه این نهضت غرب است و زمینه‌های ایجاد آن در غرب با شرایط کشورهای شرقی، به‌ویژه کشورهای اسلامی متفاوت است؛ زیرا اسلام از بدو پیدایش، ظلم و ستم‌های رایج به زنان را روا ندانست و راهکارهایی برای رفع آنها ارائه کرد و این در حالی است که در غرب ستم‌های بسیاری به زن می‌شد و حقوق آنان رعایت نمی‌شد؛ چنان که ارسطو، متفکران قرون وسطا، و سپس فلاسفه جدید از جمله هیوم،<sup>۱</sup> روسو،<sup>۲</sup> کانت<sup>۳</sup> و هگل<sup>۴</sup> همگی در قدرت تعقل زن شک داشتند (جگر، ۱۹۸۳<sup>۵</sup>)؛ به‌طوری که ارسطو زن را مرد ناتمام می‌دانست (باقری، ۱۳۸۱)؛ روم باستان برای زن ارزشی قائل نبود و به او

1. Hume, D.

2. Rousseau

3. Kant

4. Hegel

5. Jagger

حق مالکیت و حتی ارث بردن نمی‌داد و حتی زن پس از مرگ شوهر به ارث برده می‌شد (کاظمی، ۱۳۸۲)؛ مسیحیت زن را عامل گناه نخستین و رانده شدن آدم و نسل‌های بعدی از بهشت و عامل سقوط بشر به ورطه گناه می‌دانست (نعمتی و پیرعلی، ۱۳۸۶)؛ آگوستین<sup>۱</sup> زن را حیوانی سست، کینه‌ورز و سرشار از بدی می‌دانست که سرمنشأ تمام جرّ و بحث‌ها و بی‌عدالتی‌هاست (بادنتر،<sup>۲</sup> ۱۳۷۷)؛ روسو برای زن اهمیتی قائل نبود و حد تربیت او را برای اینکه در خدمت امیل و مرد باشد مطرح می‌کرد (روسو، ۱۳۸۲) و فروید نیز قائل به دو جنسی و برتری جنس مرد بود؛ ولی اکنون آن نهضت با همان ویژگی‌های غربی به کشورهای اسلامی، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران در حال نفوذ و گسترش است (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۱). از سوی دیگر، بیش از نیمی از جمعیت کشور ما را زنان تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸) و حدود یک‌سوم از جمعیت زنان را دختران اعم از کودکان، نوجوانان و جوانانی را تشکیل می‌دهند که در مدارس و دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در حال تحصیل هستند و این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق آنان مسلمان‌اند؛ اما برخی از آنها به دلیل عدم آگاهی از مبانی اسلامی و با توجه به اینکه فمینیسم مدافع حقوق و منافع زنان است، متأثر از افکار و عقاید فمینیستی هستند و برنامه‌ریزی تربیتی مبتنی بر و یا متأثر از دیدگاه‌های فمینیستی ممکن است آنان را از فرهنگ اسلامی دور ساخته و ساختار جامعه را دچار ناهماهنگی سازد (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۱، ص ۹)؛ بنابراین، لازم است که نخست، مبانی فلسفی فمینیسم، به‌ویژه مبانی انسان‌شناختی که در تعلیم و تربیت نقش و تأثیر ویژه‌ای دارد، از دیدگاه اسلام (قرآن و روایت) مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا معلوم شود این مبانی تا چه میزان با مبانی اسلامی سازگار است و احیاناً چه نقد و انتقادهایی بر این اساس بر مبانی انسان‌شناختی فمینیسم وارد است و سپس، دلالت‌های تربیتی آن تا چه میزان از نگاه اسلام (قرآن و روایات) قابل پذیرش است. بدیهی است بدون توجه به این مبانی و دلالت‌های تربیتی آنها و تفاوت فرهنگ اسلامی و فرهنگ غرب در مبانی و تبیین آنها؛ برای دست‌اندرکاران آموزشی، پرورشی و فرهنگی کشور و نیز زنان و دختران در حال تحصیل و تحصیل‌کرده جامعه، خواه ناخواه افکار فمینیستی روزبه‌روز در جامعه اسلامی نفوذ کرده و ممکن است جامعه ما را دچار تحولات فرهنگی کند و به تبع آن مشکلاتی بیش از آنچه که فمینیسم برای جوامع غربی به وجود آورده است (مشیرزاده، ۱۳۸۳)؛ از قبیل فروپاشی خانواده و بالا رفتن حدود پنجاه درصدی آمار طلاق در کالیفرنیا (رید، ۳ ۱۳۸۰) و آمریکای شمالی، اروپا و استرالیا (هولمز،

1. Augustine

2. Badinter

3. Read, E.

۱۳۸۷، ص ۹۸)، خودکشی‌های ناشی از تنهایی و انزوای همسران و فرزندان، عدم تربیت صحیح فرزندان، همجنس‌بازی و بیماری‌های ناشی از آن (گاردنر، ۱۹۹۳<sup>۱</sup>)، ناهنجاری‌های روحی، روانی، افزایش روابط غیرمجاز زنان و مردان و کودکان حاصل از این روابط و مشکلاتی از این دست را به وجود آورد (کریستنن، ۱۳۸۷<sup>۲</sup>). البته باید توجه داشت که فمینیسم برخلاف تأثیرات منفی‌ای که می‌تواند به‌طور کلی برای جوامع انسانی و به‌ویژه در جوامع اسلامی داشته باشد، تأثیرات مثبتی نیز می‌تواند بر جوامعی که به حقوق زنان بی‌توجهی یا کم‌توجهی می‌شود، داشته باشد و از ظرفیت‌های زنان برای تربیت، رشد و بالندگی آنها و به تبع آن رشد و بالندگی جامعه بهتر، بتواند استفاده کند؛ اما باید توجه داشت که پذیرش کامل و بی‌چون‌وچرای آنچه در جوامع غربی بدان رسیده‌اند، بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی، کاری معقول و پسندیده به نظر نمی‌رسد؛ به‌ویژه اینکه امپریالیسم و صهیونیسم جهانی درصدد تسلط بر منابع غنی طبیعی و انسانی جهان از طریق فرهنگ‌سازی می‌باشد و از فمینیسم نیز در این زمینه کمال بهره‌برداری را دارند (گاردنر، ۱۹۹۳). گرچه ممکن است آنها و اهدافشان در شروع نهضت فمینیستی نقش اساسی نداشته باشند، ولی در ترویج آن، به‌ویژه در جوامع اسلامی بهره‌افری برده و می‌برند؛ بنابراین، به‌طور کلی نقد و بررسی مبانی فلسفی فمینیسم و به‌ویژه، براساس مبانی اسلامی برای کشور ما که هم اکثریت مردم آن مسلمان‌اند و هم نظام آن بر پایه اسلام شکل گرفته است، از ضروریات غیر قابل اجتناب است.

### روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیق فلسفی و کیفی است که به تفسیر انسان از دیدگاه اسلام، از طریق گردآوری آیات و روایات و مطالعه جدی و عمیق و تحلیل آنها (گال<sup>۳</sup> و دیگران، ۱۳۸۴) می‌پردازد. همچنین با توجه به اینکه پژوهش‌های کیفی به لحاظ ماهیت چندروشی و متضمن رویکردی تفسیری به موضوع مورد مطالعه هستند و برای کشف مضامین و روابط به کار می‌روند و جنبه اکتشافی دارند و بر مطالعه عمیق متمرکزند (همان) می‌توان گفت روش تحقیق در این موضوع روشی ترکیبی است؛ چرا که در آن از چندین روش بهره گرفته می‌شود. روش تحلیلی روشی است که در آن به تحلیل مبانی، ساختار و لوازم منطقی نظریه‌ها می‌پردازد (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۵). در این تحقیق علاوه بر روش توصیفی به تحلیل مبانی و نتایج و پیامدهای آن نیز

1. William D. Gairdner

2. Bryce J. Cristenen

3. Galle

پرداخته می‌شود؛ همچنین، در بررسی و استنباط دیدگاه اسلام از آیات و روایات، از روش استنباط و تفسیر نیز بهره گرفته می‌شود و در پایان برای نقد و بررسی مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال و دلالت‌های تربیتی آن از روش مقایسه و نقد بیرونی استفاده می‌شود؛ بدین صورت که ابتدا به توصیف مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال پرداخته می‌شود. در این روش محقق تنها به توصیف و دسته‌بندی مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال براساس آنچه که فمینیست‌ها و یا شارحان و محققان آنها درباره فمینیسم نوشته‌اند، می‌پردازد. همچنین با بررسی منابع فمینیستی لیبرال که به تعلیم و تربیت فمینیستی پرداخته‌اند و یا با تحلیل و بررسی مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال به استنتاج دلالت‌های تربیتی آن می‌پردازد که این قسم از تحلیل را «تحلیل نتایج» می‌نامند. سپس با نظر به آیات و روایاتی که به مبانی انسان‌شناختی اسلام اشاره دارند و با بهره‌گیری از روش تفسیری و استنباطی، به نقد و بررسی مبانی انسان‌شناختی فمینیسم و دلالت‌های تربیتی آن پرداخته می‌شود. روشن است که این نقد، نقدی بیرونی خواهد بود؛ اما ممکن است برحسب نیاز به نقد درونی هم پرداخته شود. یادآوری می‌شود که روش‌های تفسیر و بهره‌گیری از آیات قرآن کریم متفاوت است؛ از جمله روش تفسیر روایی محض یا تفسیر مأثور، روش تفسیر باطنی محض و روش تفسیر اجتهادی. روش تفسیر روایی محض تنها با بهره‌گیری از روایات معصومان علیهم‌السلام که در ذیل آیات وارد شده است، به تفسیر آیات می‌پردازد و روش تفسیر باطنی محض تنها به تفسیر باطنی آیات می‌پردازد و برای آیات قرآن تنها معانی باطنی و رمزی بیان می‌کند، اما در روش اجتهادی مفسر نوعی اجتهاد و تلاش علمی می‌کند و با توجه به کیفیت اجتهاد مفسر متفاوت می‌شود؛ مانند تفسیر اجتهادی قرآن به قرآن، اجتهادی روایی، اجتهادی ادبی، اجتهادی فلسفی، اجتهادی علمی، اجتهادی نسبتاً جامع و اجتهادی باطنی (بابایی، ۱۳۸۱). در این تحقیق در بخش تفسیر آیات از روش تفسیر اجتهادی نسبتاً جامع و تفاسیری که در آنها از خود آیات قرآن و روایات و نیز استدلال عقلی و فلسفی، بهره‌گیری شده است؛ از جمله تفسیر مجمع البیان (طبرسی)، المیزان (طباطبایی) و تفسیر موضوعی قرآن کریم (جوادی آملی) استفاده خواهد شد. در این اثر، از روایات نیز در تفسیر آیات بهره خواهیم برد و چون روایاتی که از آنها استفاده می‌کنیم، معمولاً مؤید دلالت آیات و یا مفسر آنها خواهد بود نه مخالف آنها و نیازی به بررسی سندی نخواهند داشت؛<sup>۱</sup> به هر حال، برحسب نیاز به نظر بزرگان

۱. بنا به نظر برخی از فقهای متأخر که قائل به اعتبار خبر واحدی موثوق به هستند، روایاتی که مخالف آیات و یا روایات متواتر و یا اصول کلی اسلامی نیستند، نیازی به ثقه بودن راویان آن نیست و چون به محتوای روایت اطمینان حاصل می‌شود معتبرند (ر.ک: حسینی‌زاده، ۱۳۸۹).

در صحت سندی آنها نیز مراجعه خواهد شد؛ بنابراین، محور بحث آیات قرآن کریم خواهد بود و در کنار آن از روایات نیز استفاده خواهد شد.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای خواهد بود؛ بدین صورت که با مطالعه کتاب‌ها و مقالاتی که درباره فمینیسم لیبرال و مبانی فلسفی و نیز دلالت‌های تربیتی آن نوشته شده است، به توصیف مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال و دلالت‌های آن در زمینه جنسیت و برابری تربیتی پرداخته و به گردآوری آیات و روایاتی که در زمینه ماهیت و خلقت انسان، هدف از خلقت او و نیز آیاتی که تفاوت‌ها و شباهت‌های زن و مرد را بیان می‌کنند، پرداخته و براساس تفسیر و استنباط از آنها به نقد و بررسی مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال و دلالت‌های تربیتی آن می‌پردازیم و میزان سازگاری و عدم سازگاری این مبانی و دلالت‌های تربیتی آن را با دیدگاه اسلام (مستفاد از آیات و روایات) بررسی خواهیم کرد.

## تعریف واژگان

**فمینیسم:** فمینیسم نهضتی اجتماعی است که هدف آن احراز پایگاهی مساوی با مردان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای زنان است (ساروخانی، ۱۳۷۰).

**فمینیسم لیبرال:** فمینیسم لیبرال به معنای نظریه آزادی فردی برای زنان است که بخشی از جریان غالب در نظریه اجتماعی و سیاسی فمینیستی است و تاریخی طولانی دارد (هام و گیمل، ۱۳۸۲).

**مبانی انسان‌شناختی:** مراد از مبانی انسان‌شناختی در این تحقیق گزاره‌های توصیفی است که واقعیت‌های طبیعت انسان را بیان می‌کنند.

**دیدگاه اسلام:** منظور از دیدگاه اسلام در این تحقیق برداشت‌های بی‌واسطه از متون اصلی اسلام؛ یعنی قرآن و سنت بر مبنای نگاه شیعی است که با به‌کارگیری روش‌های معتبر استنباطی و تفسیری به دست می‌آید.

**دلالت‌های تربیتی:** مراد از دلالت‌های تربیتی اهداف، اصول و روش‌های تربیتی است که با توجه به مبانی انسان‌شناختی فمینیسم توسط فمینیست‌های لیبرال بیان شده و یا می‌توان براساس مبانی آنها استنباط کرد.





## فصل دوم

### تاریخچه و پیشینه فمینیسم

در هر تحقیقی نخست لازم است مبانی نظری و تاریخچه آن تحقیق بررسی شود تا روشن شود موضوع از کجا شروع و از چه آبشخورهایی تغذیه شده و در کجا قرار دارد. این تحقیق نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ از این رو، در این فصل به بررسی تاریخچه و مبانی موضوع می‌پردازیم.

#### مروری به جایگاه زن و خاستگاه فمینیسم در غرب

موضوعات مطالعاتی زنان در غرب ناچار از نیازها، دغدغه‌ها، بسترها و پیشینه خاص تاریخی، فرهنگی و اجتماعی زنان در مغرب‌زمین برمی‌خیزد. بهبود وضعیت زن در هر جامعه باید با معیارها و هنجارهای خاص همان جامعه سنجیده شود که چه بسا با الگوی بهبود در جامعه‌ای دیگر به کلی متفاوت و حتی مغایر باشد؛ بنابراین، وظیفه مهم، بررسی علل و عوامل ایجاد و پیگیری مباحث مطالعاتی زنان در غرب و مقایسه آن با شرایط، نیازها، خواسته‌ها و مسائل زنان جامعه ایرانی است، که اگر این‌گونه نباشد، چه بسا پیچیدن نسخه بیگانه برای خود مشکلاتی به مراتب عمیق‌تر و پیچیده‌تر به بار خواهد آورد.

مسئله زن از دیرباز مورد توجه دست‌کم برخی از علما و دانشمندان جوامع مختلف بوده است. با این تفاوت که در گذشته‌های دور، به‌ویژه در مغرب‌زمین، برای زن ارزشی قائل نبودند و او را تا سرحد حیوانی که از او بهره‌کشی می‌شود تحقیر می‌کردند، ولی در این اواخر او را حتی از مرد نیز برتر می‌دانند. سقراط فیلسوف بزرگ یونانی وجود زن را بزرگ‌ترین منشأ انحطاط بشریت می‌دانست (گری،<sup>۱</sup> ۱۳۷۸). افلاطون در عین حالی که خدا را شاکر بود که او را زن نیافریده

---

1. Gray, J.

است، از ورود زنان به هر کاری و از برابری زن و مرد در همه موقعیت‌ها حمایت می‌کرد. ارسطو که با تعصبات روزگار خود بیشتر سازگار بود زن را ناقص می‌دانست و معتقد بود طبیعت چون از آفریدن ناتوان است زن را می‌آفریند و زنان چون بردگان از روی طبیعت محکوم به اسارت‌اند و به‌هیچ‌وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند (دورانت، ۱۳۵۴).<sup>۱</sup> فیثاغورث معتقد بود که اصلی خوب وجود دارد که نظم، نور و مرد را آفریده است و اصلی بد که آشوب، تیرگی و زن را آفریده است (گری، ۱۳۷۸). یونانیان عموماً زن را موجود پستی می‌دانستند که تنها برای ادامه نسل و کارهای خانه به درد می‌خورد و اگر زنی بچه‌ناقص و بی‌قواره‌ای می‌زاید، او را می‌کشتند و اگر زنی بچه‌زا بود، مردان دیگری آن را به عنوان عاریه از شوهرش می‌گرفتند تا از آنها نیز برای وطنشان فرزند بزاید (لوبون، ۱۳۶۴). در آیین یهودیت خلقت زن از یکی از دنده‌های مرد است و او زن نامیده شده چرا که از مرد برگرفته شده است (سفر پیدایش، ۲: ۲۱-۲۴). همچنین خلقت زن اساساً یکی از اشتباهات خداوند است و زن طبعی گناهکار دارد. حواً گناهکار اول است و او آدم را به تخلف از دستور خدا وسوسه کرد و موجب اخراج انسان از بهشت شد (همان، ۳: ۱-۱۴). سفر جامعه نیز می‌گوید زن تلخ‌تر از مرگ است. عشق او مانند دام، مردان را گرفتار می‌کند. کسی که در پی خشنودی خداست از دام او رهایی می‌یابد، اما آدم گناهکار گرفتار او می‌شود. در میان هزار مرد یک مرد شایسته پیدا می‌شود، ولی میان تمام زنان عالم یک زن شایسته هم یافت نمی‌شود (سفر جامعه، ۷: ۲۶-۲۹). مسیحیت نیز تنها زن پاک عالم را حضرت مریم می‌داند و دیگر زنان همگی ناپاک و آلوده و فریبکارند. پولس<sup>۲</sup> می‌گوید: من نمی‌توانم باور کنم که زنان سواد بیاموزند و بر شوهرانشان مسلط شوند (انجیل لوقا، ۷: ۳۰-۳۳). آگوستین<sup>۳</sup> زن را حیوانی می‌داند که نه استوار است و نه ثابت‌قدم، بلکه کینه‌توز و زیانکار است و منبع همه مجادله‌ها، دعوها، بی‌عدالتی‌ها و حق‌کشی‌ها می‌باشد (ستاری، ۱۳۸۸). آکوئیناس<sup>۴</sup> معتقد است که زن با نخستین مقصود طبیعت یعنی کمال‌جویی منطبق نیست، بلکه با دومین مقصود طبیعت یعنی گندیدگی، بدشکلی و فرتوتی منطبق است (گری، ۱۳۷۸).

به‌طور کلی، اروپای قرون وسطا یکی از دوره‌های ضعف و فرودستی زنان است. منشأ این امر را برخی در آموزه‌های کلیسای مسیحی جست‌وجو می‌کنند که باعث شکل‌گیری تصویری منفی از زن می‌شد، مثلاً زن را فرزند حوا و وارث گناه او در گمراهی و هبوط انسان و مسئول تمامی

1. Durant, W. J.

2. Paul

3. Augustin

4. Aquinas

رنج‌های بشری می‌دانستند؛ از این رو، او مستحق درد، رنج و سختی است و هرگز حق اعتراض و شکایت ندارد. البته در مقابل، تصویری از حضرت مریم وجود دارد که دارای تقدس و احترام والایی است، اما او سیمایی فرشته‌گون دارد و نه تصویری انسانی و قابل تعمیم. درحقیقت دو تصویر آرمانی و در نتیجه مبالغه‌آمیز از زن وجود دارد که یکی شرّ مطلق است (حوا) و دیگری خیر مطلق (مریم مقدس). در این دوران زنان صاحب هویت و شأنت ابزاری و وسیله‌ای برای تداوم نسل هستند، به گونه‌ای که افرادی چون آگوستین و آکوئیناس تنها حق حیات و زیست برای زن قائلند و جایگاه دیگری برای او نمی‌شناسند (مشیرزاده، ۱۳۸۳).

دورکیم<sup>۱</sup> می‌گوید: «مرد تقریباً به‌طور کامل محصول جامعه است و زن بیشتر محصول طبیعت است. سلیقه‌ها، آرزوها و خلق و خوی مرد تا حد زیادی منشأ جمعی دارد؛ بنابراین، نیاز مرد کاملاً متفاوت از نیاز زن است» (شادلو، ۱۳۷۸، ص ۲۴). برخی از فرویدی‌ها نیز معتقدند که زن خدمت قابلی به فرهنگ بشر نکرده و در هیچ فنی موقعیتی به دست نیاورده است، مگر در شست و رُفت، بافتن، آرایش کردن و کوشش برای جلب مرد (تیلا، ۱۳۷۰). روسو در کتاب امیل از تفاوت‌های بین دو جنس دفاع کرده و زنان را محکوم به وابستگی طبیعی به مردان می‌داند. زنان از نظر او فاقد خصوصیات شهروندی همچون عقل، نیرو و خودمختاری که به‌طور طبیعی مردانه‌اند می‌باشند. همچنین زنان از نظر او طبیعتاً عاطفی، ضعیف و مطیع‌اند. این تفاوت‌ها، روسو را به تجویز روش‌های آموزشی کاملاً متفاوتی برای دختران و پسران می‌کشاند. پسرها باید تعلیم ببینند تا موجوداتی عقلانی، معنوی و حاکم بر خویش بار آیند؛ در حالی که دختران را باید برای فرمانبرداری در خانه و کسب مهارت‌هایی که شوهر آینده را خوش آید، آموزش داد (ویلفورد، ۱۳۸۵<sup>۲</sup>).

در عمل نیز به جز در برهه‌ای از اول زندگی بشر، آن هم بنا به ادعای برخی از افراد، همواره در طول تاریخ زنان فرودست بوده و ارزش چندانی به آنان داده نمی‌شد. مورگان<sup>۳</sup> معتقد است شواهدی در دست است که در دوران ابتدایی زندگی بشر، حاکمیت از آن زنان بوده است و مردان فرودست و زیر سلطه زنان بوده‌اند، اما این ادعا مورد خدشه بسیاری دیگر از دانشمندان است. بر فرض صحت، این مادرسالاری، دوران کوتاهی بوده است. در بخش‌هایی از کانادا هنگام قحطی از گوشت پیرزنان تغذیه می‌کردند (گاردنر، ۱۳۸۶). در یونان باستان زن، نه تنها

1. Durkheim

2. Wilford

3. Morgan, R.

ارث نمی‌برد که خود نیز به ارث برده می‌شد، حقوق اجتماعی نداشت و شوهر می‌توانست زن خود را به هر کسی قرض بدهد و یا او را به دوستان خود هبه کند. حتی در زمانی که در آتن دموکراسی برقرار بود زن حق نداشت در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشد. در روم زنان به عاریت داده می‌شدند و تعویض همسران امری عادی و مرسوم بود. پدر، دختر را به ازای مبلغی شوهر می‌داد. زنان حق مالکیت و اجازه تحصیل نداشتند. در قرون وسطا اگر مردی دختری را که در حبالة کسی بود به زور به خانه می‌برد و تا سه روز او را زندانی می‌کرد، دختر رسماً از آن وی می‌شد (معصومی، ۱۳۸۴).

در فرهنگ غرب برای مدت‌های مدیدی (حتی تا این اواخر) مرگ و زندگی زن به دست شوهر بود و زن برای شکایت از شوهر هیچ قاضی و قانونی نداشت. مرد حق طرد و طلاق زن را داشت، ولی زن در مقابل هیچ حقی نداشت. در انگلیس اگر مردی توسط همسرش به هر دلیل به قتل می‌رسید بزرگ‌ترین جنایت محسوب می‌شد و او را زنده‌زنده می‌سوزاندند. زنان تا اوایل نیمه دوم قرن نوزدهم، حق اندوختن هیچ ثروتی و یا تعهد به هیچ قراردادی را نداشتند، مگر به اجازه شوهران خود و حتی از طریق ارث به تملک شوهران درمی‌آمدند. وضع زن در قوانین انگلیس به گونه‌ای بود که از بردگان نیز پست‌تر بود (میل، ۱۳۷۷).

این در حالی است که حتی پس از رنسانس نیز در غرب، در عمل وضع زنان تغییر محسوسی نکرده بود. انقلاب کبیر فرانسه که داعیه‌دار آزادی و برابری انسان‌ها بود و زنان در پیروزی آن نقش داشتند و تعداد زیادی از آنان در این راه کشته شدند، در عمل هیچ حقی به زنان نداد و حتی در اولین اعلامیه حقوق بشر در فرانسه نیز هیچ اشاره‌ای به حقوق زنان و برابری آنها با مردان نشد و از این بدتر، خانم الیمپ دو گونگ<sup>۱</sup> که از رهبران انقلابی پاریس بود، به دلیل مبارزه با همین اعلامیه همراه با هم‌زمانش به جرم ضدیت با انقلاب به گیوتین سپرده شد (معصومی، ۱۳۸۴).

## تاریخچه فمینیسم

واژه «فمینیسم» به معنای نظریه برابری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زن و مرد است (ویستر،<sup>۲</sup> ۱۹۸۸). این واژه نخستین بار در سال ۱۸۷۱م در یک متن پزشکی به زبان فرانسه برای تشریح گونه‌ای وقفه در رشد اندام‌ها و خصایص جنسی بیماران مرد که تصور می‌شد از یافتن

1. Olympe de Gouges

2. Webster

خصوصیات زنانه خود رنج می‌برند به کار رفت. یک سال بعد یک نویسنده فرانسوی این واژه را برای اشاره به زنانی که مردانه زندگی می‌کنند به کار برد؛ در حالی که این کاربرد خلاف آنچه که در پزشکی به کار می‌رفت بود. این واژه تا دهه ۶۰ و ۷۰ کاربردی محدود داشت، ولی در همین اواخر برای تمام گروه‌های مرتبط با حقوق زنان متداول شد. در زبان فارسی معادل‌هایی چون زن‌گرایی، زن‌وری، زنانه‌نگری و آزادی‌خواهی زنان برای آن پیشنهاد شده است (دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲).

فمینیسم در اصل نهضتی اجتماعی - سیاسی<sup>۱</sup> بود که از چند قرن پیش در اروپا در جهت اعتراض به فشارها و تبعیض‌ها در مورد زنان، آغاز شد. اگرچه حرکت‌های دفاع از زنان از دوران رنسانس (وینسنت، ۱۳۷۸) و حتی پیش از آن در قرن ۱۴ (ویلفورد، ۱۳۸۵) در غرب و تا تمدن‌های باستانی یونان و چین (هی‌وود، ۱۳۸۳) کم و بیش وجود داشته است، ولی برخی آغاز حرکت فمینیستی را قرن هفدهم میلادی و آغازگر آن را «آن براد استریت»<sup>۲</sup> یا «آبیگالی آدامز»<sup>۳</sup> می‌دانند و برخی دیگر انقلاب ۱۶۸۸م انگلیس را منشأ حرکت فمینیستی به معنای برابری حقوق زنان می‌دانند (معصومی، ۱۳۸۴). اما طی این دوران داعیه‌های فمینیستی هنوز ماهیتی فمینیستی نداشت و نه تنها نتوانست جامعه و حکومت‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد، بلکه سرکوب هم شد (باقری، ۱۳۸۲). اما از اواخر قرن هجدهم (جیمز، ۱۹۹۸)<sup>۴</sup> و یا آغاز قرن نوزدهم به‌ویژه پس از انقلاب فرانسه و با انتشار کتاب ماری ولستون کرافت<sup>۵</sup> به نام اثبات حقوق زن<sup>۶</sup> این جنبش با ماهیتی فمینیستی پیشرفت کرد (وینسنت، ۱۳۷۸) و تاکنون سه دوره را طی کرده است که از آن به امواج سه‌گانه فمینیسم یاد می‌کنند.

## امواج سه‌گانه فمینیسم

موج اول: به اعتقاد برخی از حامیان فمینیسم، نخستین حرکت‌های این جنبش از قرن پانزدهم شروع شده است. جگر (۱۹۸۳) اولین ندهای جدی فمینیسم را در قرن هفدهم در انگلیس می‌داند. به اعتقاد برخی دیگر شروع آن را جنبش حق رأی در سال ۱۷۹۲م یعنی زمان انتشار مقاله دادخواستی برای زنان (۱۷۹۲) از سوی ماری ولستون کرافت که برخی آن را «انجیل

1. Social-Political Movement

2. Brown Streit

3. Abigali Adams

4. James

5. Mary Wollstonecraft

6. A Vidication of the Rights Woman

فمینیسم» که در رد نظر روسو نوشته شده بود می‌دانند (دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲)؛ زیرا روسو که انسان را موجودی آزاد می‌داند؛ به طوری که حتی در جامعه دموکراسی نباید آزادی انسان‌ها نادیده گرفته شود، زنان را تابع مردان می‌داند و برای آنها ارزشی مستقل قائل نیست. وی در امیل<sup>۱</sup> به تربیت دختران توجهی نمی‌کند و پس از بیان چگونگی تربیت امیل می‌گوید که در تربیت دختران باید وابستگی و اطاعت پرورش داده شود و هدف تربیت دختران را پرورش همراهی شفیق برای مردان می‌داند (روسو، ۱۳۸۵، ص ۳۳۳).

اما تحقیقات پیش از قرن نوزدهم با عنوان فمینیسم مطرح نبود. آنچه موج اول فمینیسم نامیده می‌شود تقریباً از آغاز قرن نوزدهم شروع شد و تا اوایل قرن بیستم هم ادامه داشت. این نهضت، در این دوره، گرچه سرکوب نیز شد، ولی توانست برخی از دایه‌های خود را به اثبات برساند و آنها را نهادینه سازد. فمینیسم در این دوره مدعی برابری حقوق زنان با مردان و احقاق حقوق ازدست‌رفته زنان همچون حق کار، سوادآموزی و حضور در فعالیت‌های اجتماعی بود؛ به سخن دیگر، در این دوره محور فعالیت‌های فمینیست‌ها گرایش انسانی و عام نسبت به مقوله زن است (باقری، ۱۳۸۲).

**موج دوم:** دوره دوم که از ۱۹۲۰ تا ۱۹۸۰م و یا تا پایان قرن بیستم ادامه داشت، موجب بسط و تعمیق این جنبش گردید. در این دوره مدعیان حقوق زنان از برتری زنان بر مردان و زن‌محوری سخن گفتند و به دفاع از آن پرداختند. انتقاد به نظریه روان‌شناختی فروید<sup>۲</sup> یکی از مباحث اصلی اندیشه‌های فمینیستی موج دوم است؛ زیرا فروید نظامی از روان‌شناسی پدید آورد که علاوه بر تبیین علمی دوجنسیتی زن و مرد، جنسیت مرد را برتر دانسته و به آن نقش محوری در شکل‌گیری شخصیت، حتی شخصیت دختران داده است. از نظر فروید دختران از ابتدا نسبت به نقص جسمانی خود عقده پیدا می‌کنند. همچنین در زنان خود برتر به اندازه کافی رشد نمی‌کند و اخلاقیات در آنها شکل نمی‌گیرد و آنها برداشت درستی از عدالت ندارند و تسلیم ضرورت‌های زندگی می‌شوند و در تمدن‌سازی نقشی ندارند؛ بنابراین، از نظر وی تفاوت میان زن و مرد تفاوت زیستی و غیر قابل تغییر است (گولومبوک و فی‌وش،<sup>۳</sup> ۱۳۷۸؛ منصور و دادستان، ۱۳۶۹). از جمله کسانی که با فروید به منازعه برخاست کیت میل<sup>۴</sup> بود. وی فروید را به سنت زن‌ستیزی در غرب متهم کرد که اساس آن به ارسطو بازمی‌گردد.

1. Emil

2. Fruied

3. Golombok, S. &amp; Fivush, R.

4. Kate Millet